

« نواقص زندان های کوتاه مدت »

خلیل آفنداک، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر

مقدمه:

از جمله خصیصه های عمده قوانین، داشتن ضمانت اجرا می باشد. ضمانت اجرای فوق تضمین کننده اجرای مقررات موضوعه از طرف افراد مورد شمول آن می باشد. این ضمانت ها در مسائل جزایی، به کیفر رساندن فرد یا افراد خاطی به عنوان واکنشی علیه عمل مجرمانه ی او بوده و از طرف دستگاه کیفری در مورد متخلف، اعمال و اجرا می گردد. مجازات حبس نیز از ابتدایی ترین و ساده ترین واکنش هایی است که حاکمان جوامع از زمان های دور، در قبال قانون شکنان به کار گرفته اند. به خصوص از سده نوزدهم این مجازات وارد دستگاه های کیفری جوامع گردید و مجازات های خشن مثل اعدام، شلاق، قطع عضو و ... جای خود را به مجازاتی داد که دور از چشم مردم بوده ولی باعث محدود نگهداشتن روان و روح مجرم و اذیت او می شد. هزینه های اجتماعی و سیاسی زندان به دلیل دور از انظار بودن به مراتب کم تر از مجازات های خشن بدنی در ملاء عام بود و چون احساسات عمومی را علیه حاکمان جوامع تحریک و ترغیب نمی کرد، در آغاز با استقبال خوبی روبرو گردید. با گسترش زندان و انواع و اقسام آن در کشورهای مختلف، پای دیگر علوم به چگونگی اداره زندان و نحوه ی اعمال مجازات آن باز شده؛ جرم شناسان، روان شناسان و جامعه شناسان به بحث و گفتگو در ابعاد مختلف مجازات حبس پرداختند.

اما هر اندازه که تحولات، پیشرفت ها و اندیشه ها در چگونگی اعمال این مجازات گسترش می یابد، انتقادات و مخالفت ها با اجرای پاره ای از شکل های آن نیز فزون تر می شود. به نحوی که برخلاف گذشته دانشمندان معتقد هستند که زندان نتوانسته وظیفه ی اصلی خود را به نحو مطلوبی انجام دهد. عمده ترین ایرادات، به حبس های با مدت کوتاه وارد شده است. در مقاله ی حاضر با عنایت به اعمال بیشتر حبس های کوتاه مدت از سوی مراجع قضایی کیفری، آن را مورد بحث قرار داده و پس از تعریف زندان و انواع آن از نظر مدت، به بیان اهم ایرادات وارد بر مجازات حبس کوتاه مدت پرداخته ایم و ضمن ارائه ی راه کارهای انتخابی جایگزین حبس های کوتاه مدت، نتیجه بحث را بیان نموده ایم. امیدواریم تلاش حاضر مفید فایده علاقمندان و فرهیختگان علم حقوق کشورمان بوده باشد.

مبحث اول) تعریف زندان و انواع آن از لحاظ مدت:

حبس در لغت به معنای بازداشت، توقیف، بستن، منع، زندان و ضد رها کردن است و در اصطلاح کیفری بازداشت افراد مجرم پس از محکومیت است.^(۱) در فرهنگ لغات دکتر معین زندان، جایی که متهمان و محکومان در آن نگاه دارند، تعریف شده است.

ماده (۳) آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۹/۲۰ زندان را محلی دانسته است که در آن «محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقام های صلاحیتدار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم به منظور تحمل کیفر، با هدف حرفه آموزی، بازپروری و بازسازی نگهداری می شوند.» زندان می توانسته باغی باشد با دیوارهای کوتاه یا قلعه ای باشد با باروهای بلند؛ هم چون زندان نای و سو و دهک. می توانست تاریکی های فرو رفته در گودال زمین باشد شبیه یک گور. می توانست همراه با غل و کند و زنجیر باشد یا همراه با تختخواب و آبژور و کتاب و تلویزیون. می توانست بی روزنه باشد بر سقفی و دارای پنجره هایی باشد به هر چهار سوی. می توانست فضایی ۱۵ متری باشد برای ۱۵ نفر آدم یا ... به هر حال، در مجموع و با هر کدام از این اوصاف، نام آن محل زندان است.^(۲)

با توجه به این که مجازات زندان غالباً " برای مدت معین نسبت به مجرمین در نظر گرفته می شود و محبوس نمودن ابدی مجرم در موارد اندک و نادری صورت می گیرد، می توان براساس میزان محکومیت به زندان، آن را به

زندان طویل‌المدت و کوتاه‌مدت تقسیم‌بندی نمود. مقصود از زندان طویل‌المدت این است که مجرم به بیش از یک سال حبس محکوم شده باشد و یا این که اگر قبلاً^(۳) بازداشت بوده است در هنگام صدور رأی محکومیتش هنوز بیش از یک سال از مدت زندانش باقی بوده باشد.

مقصود از زندان کوتاه‌مدت آن است که «از سه ماه تجاوز نکند. این معیار در سال ۱۹۴۸ توسط انجمن بین‌المللی حقوق جزا براساس تحقیقاتی که به عمل آورده بود، اعلام شد. اما تحقیقات دیگری که توسط سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۰ انجام شد، مؤید این نظر بود که در غالب کشورهای جهان از جمله بلژیک، بریتانیا، ژاپن، فنلاند، کنیا، نروژ، هلند، هند، یونان و بعضی از ایالات متحده، ایالت امریکای شمالی، زندان‌های کم‌تر از شش ماه را مشمول تعریف زندان کوتاه‌مدت می‌دانستند و فقط در بعضی از ممالک نظیر آلمان، استثنائاً^(۴) حبس‌های کم‌تر از نه ماه را نیز کوتاه‌مدت به حساب می‌آوردند. آقای دکتر اردبیلی از اساتید حقوق کشورمان معتقدند نظام‌های کیفری دنیا، به اختلاف این مدت را شش ماه، نه ماه و یک سال شناخته‌اند.

نظر به این که زندان‌های کوتاه‌مدت از طرف قانون‌گذار تعریف نشده و از طرف دیگر مفهوم «مدت کوتاه» نسبی بوده و از فردی به فرد دیگر و از جامعه‌ای به جامعه دیگر براساس عرف حاکم تفاوت خواهد داشت، رسیدن به وحدت نظر در اعلام زمان زندان‌های کوتاه‌مدت مشکل می‌نماید. با این حال می‌توان با توجه به اهداف عمده مجازات حبس که تنبیه و سزادادن بزهکار و هم‌چنین دور نمودن او از جامعه برای حمایت از اجتماع و تسکین آلام بزه‌دیده از جرم می‌باشد، نه ماه را زمان مناسبی برای زندان‌های کوتاه‌مدت دانست. با مراجعه به قوانین جزایی کشورمان ملاحظه می‌شود در قانون مجازات عمومی سابق اصلاحی سال ۱۳۵۲ حداقل مجازات سالب آزادی ۶۱ روز و حداکثر آن حبس ابد بود ولی بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در قانون مجازات اسلامی حداقل مجازات حبس یک ماه تا ۲۵ سال و حبس ابد در نظر گرفته شده است.

مبحث دوم) ایرادات وارد بر حبس‌های کوتاه‌مدت:

مجازات حبس در مقایسه با مجازات‌های بدنی مثل شلاق و قطع اعضاء و اعدام، در عصر فعلی به عنوان بهترین نوع واکنش اجتماعی علیه مجرم مورد پذیرش واقع شده است؛ زیرا به تجربه ثابت شده تنبیه بدنی غیر از ایجاد نفرت در مجرم علیه جامعه و کسانی که سبب تنبیه بدنی (به خصوص قطع عضو) آنان بوده‌اند، نتیجه‌ی دیگری به همراه نداشته‌است و همین حس انتقام و کینه از عوامل اجتماعی موجب ارتکاب جرایم خطرناک‌تر و متعدد از ناحیه مجرم می‌باشد. از طرف دیگر جبران خطا و اشتباهات قضایی در صدور حکم به خصوص در مجازات‌های بدنی پس از اجرای حکم، عملاً غیرممکن و حتی محال می‌باشد.

وجود زندان‌ها برای حفظ و حمایت از اجتماع در مقابل افراد بزهکار ضروری است و زندان به دو شکل این وظیفه را انجام می‌دهد؛

اول، به وسیله‌ی نقل مکان مجرمین که ضدیت کامل با اصول اجتماعی دارند (مجرمین به عادت) به طور دائم و یا برای مدت طولانی به محیط‌های مناسب. دوم، به وسیله‌ی تلقین افکار صحیح و عقاید عام‌المنفعه در مجرم و هدایت او به راه صواب و تغییر دادن مسیر فکر او.

زندان‌ها در تلاش هستند تا به هدف دوم یعنی مرمت نمودن فکر و اندیشه‌های زندانی و سالم‌سازی او برسند و این هدف باید در کوتاه‌مدت حاصل شود. براین اساس زندان‌های کوتاه‌مدت مورد توجه و حمایت قرار می‌گیرد تا مجرم پس از تحمل مدت کوتاه مجازات پی به اشتباه بودن اعمال قبلی خود برده و با عبرت از آن، با فکری پاک و اصلاح شده مجدداً وارد جامعه شود. اما در کنار این خواسته، مجازات زندان و به خصوص زندان کوتاه‌مدت دارای معایبی نیز است که به ترتیب آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- محکومیت های حبس کوتاه مدت علاوه بر آن که اثر عمیق و بسیار موهن در روحیه ی افراد زندانی باقی گذاشته و در اداره امور زندان ها مشکلات فراوانی ایجاد می کند، فایده چندانی در مسیر اصلاح و تربیت مجرمین نخواهد داشت؛ زیرا در کنار هدف تنبیهی از اعمال کیفر حبس، رسیدن به هدف تربیتی و اصلاحی نیازمند صرف وقت مناسب است که این امر در زندان های کوتاه مدت عملاً قابل حصول نیست؛ یعنی شناخت روحیات مجرم، شخصیت او یافتن علل ارتکاب جرم و انگیزه های آن قطعاً در زمان کوتاه مثلاً یک ماه امکان پذیر نیست. از سوی دیگر مجرم در روزهای اول ورود به زندان از حیث روانی پریشان و ناراحت بوده و زمینه پذیرش امور تربیتی و اصلاحی مددکاران زندان را ندارد. پس بایستی حداقل یک الی دو ماه از مدت زندانی شدن مجرم سپری شود تا به تدریج او آمادگی پذیرش تعلیمات و آموزش های اصلاحی مسئولین زندان را داشته باشد و این امر در زندان های کوتاه مدت قابل دسترسی نیست .

۲- اولین محکومیت به زندان معمولاً اثر شدیدی بر روی افراد می گذارد که ممکن است روحیه ی آن ها را تا آخر عمر خراب کرده و آنان را نسبت به اجتماع بدبین و کینه توز سازد. بنابراین چه لزومی دارد شخصی را که بر اثر یک اشتباه، مرتکب جرمی غیر عمدی شده؛ مثلاً بر اثر تخلف از مقررات راهنمایی، کسی را با اتومبیل خود مجروح کرده یا کشته است، به چند ماه زندان محکوم کنند و در نتیجه از او یک فرد ناراحت و یک دشمن اجتماع بسازند^(۵)

۳- در اواخر قرن ۱۸ معتقد بودند زندان انفرادی موجب می شود بزهدار فرصتی یافته در تنهایی به فکر فرو رفته نسبت به گذشته پشیمان گردد. اما به نظر می رسد با توجه به انتقادهایی که در خصوص زندان های انفرادی به عمل آمد که نهایتاً منجر به لغو سلول های انفرادی در سال های اخیر در کشورمان گردید و توجهها^(۶) به این که سلول های فعلی حداقل ۲۰ و بعضاً ۳۰ نفر زندانی را در خود جای داده و دیگر امکانی برای تنها بودن و به فکر فرو رفتن زندانیان برای احساس پشیمانی وجود ندارد؛ زندان دیگر آن توجیه سابق را ندارد و زندان های کوتاه مدت نیز به طریق اولی نخواهد توانست این احساس پشیمانی را در فرد مجرم ایجاد کند.

۴- از جمله ضربه هایی که سلب آزادی، به ویژه به متهمان و مجرمان بی سابقه وارد می کند؛ انقطاع روابط خانوادگی، اجتماعی و شغلی است و این ضربه ی کمی نیست. چه بسا در این چارچوب خانواده هایی متلاشی شوند، خانواده هایی از نظر مالی با مشکلات شدیدی روبرو شوند، شغل هایی از دست برود، فرزندان از نظر تربیتی و جامعه پذیری با خلأ های انحراف زا یا جرم زا روبرو شوند. در این میان بدتر از همه، مجازات های سلب آزادی با مدت کم است.^(۶) در آذرماه سال ۱۳۸۰ تعداد ۴۷۰۹۵ نفر وارد زندان های کشور شده اند. به بیان دیگر در طول شبانه روز در هر ۵۵ ثانیه یک نفر وارد زندان شده است که به نحوی بیانگر حجم فعالیت ها و هزینه های تحمیل شده می باشد. در مقابل هر ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت ۲۶۷ نفر زندانی وجود دارد. در این ماه ۴۴۷۷۰ نفر از زندانیان آزاد شده اند که بیش از ۴۳ درصد آنان کم تر از ۱۰ روز در زندان اقامت داشته اند که به هیچ وجه امکان برنامه ریزی و آموزش برای این قبیل زندانیان وجود نداشته است. آمارها نشان می دهند که از کل زندانیان آزاد شده در این ماه ۲۷۴۹۸ نفر یعنی قریب به ۶۲ درصد در آذرماه وارد و در همان ماه آزاد شده اند و از ۲۷۴۹۸ نفر زندانی مذکور ۱۹۶۵۲ نفر (بیش از ۴۳ درصد) کم تر از ده روز در زندان اقامت داشته اند.^(۷) به وضوح پیداست که در این مدت کم هیچ کدام از مسئولین زندان، به خصوص مددکاران اجتماعی و قاضی ناظر زندان و رئیس - زندان که اعضای تشکیل دهنده شورای طبقه بندی زندان ها هستند- نه می توانند مجرم یا متهم را بشناسند و نه آن ها را براساس اتهام یا جرم ارتكابی طبقه بندی کرده و هر کدام را در مکان خاصی نگهداری نمایند. به عبارت دیگر در این مدت کم، زندان در واقع پارکینگ موقتی انسان هاست که هیچ فایده ای به غیر از سلب آزادی رفت و آمد فرد زندانی ندارد.

۵- اثر زندان گاهی بر دیگران بیشتر است تا بر خود زندانی؛ مانند خانواده، همکاران و دیگران و این که اسلام زندان را کیفر قرار نداده است، برای همین است. اسلام کیفر را بر خود شخص زندانی قرار داده است که نباید به دیگران تسری پیدا کند. خانواده زندانی در فشار و سختی است ولی خود زندانی در زندان در آسایش است.^(۸) صرف نظر از اثرات روحی و روانی زندان های کوتاه مدت بر روی خود زندانی، این اثرات به همسر و فرزندان کم سن و سال خانواده زندانی به مراتب بیشتر بوده، به حدی که بعضاً "صدمات روحی جبران ناپذیری به روحیه و شخصیت آن ها وارد می کند.

۶- حبس های کوتاه مدت برای مجرمین سابقه دار این زیان را دارد که آن ها را غالباً "مضرتر از سابق تحویل اجتماعی می دهد و تنها نتیجه ای که از حبس کوتاه مدت برای مجرمین با سابقه حاصل می شود، حس کینه جویی و انتقامی است که از اجتماع در آن ها جای می گیرد.

۷- شکی نیست که تصور منظره زندان برای کسانی که هنوز آن را ندیده اند بسیار رعب انگیزتر از زندگی در آن است، هنگامی که مجرم خفت و ننگ زندان را از نزدیک در خود مشاهده کرد، مشکل بتواند اثر آن را از ذهن خود دور سازد و چقدر مایه ی تأسف است که تازه این اشخاص پس از این که دو هفته یا یک ماه از کار خود بازمانده اند و کوچکترین مطلبی بر معلومات قبلی شان اضافه نشده، با یک حس کینه جویانه زندان را ترک و مجدداً وارد جامعه می شوند.

مبحث سوم) پیشنهاداتی برای کاهش جمعیت کیفری زندان ها

۱- استفاده از جایگزین های مجازات حبس کوتاه مدت:

اندیشه یافتن جایگزین های حبس از دو جهت عمده دارای اهمیت می باشد؛ اول، از جهت یافتن جانشینی برای حبس های کوتاه مدت که دارای ایرادات فراوانی بوده و در اصلاح و تربیت و حتی تنبیه مجرم اثر چندانی ندارد؛ دوم، کاستن از جمعیت کیفری زندان های به منظور فراهم آوردن امکانات و زمینه های لازم در زندان و اصلاح و تربیت زندانیان خطرناک و دارای سوابق قبلی. زیرا هر اندازه تعداد زندانیان رو به ازدیاد باشد به همان میزان امکان برنامه ریزی و تهیه امکانات لازم و اعمال تدابیر تربیتی مورد نیاز برای آن ها کاهش خواهد یافت. مجازات های جایگزین حبس کوتاه مدت را به دو دسته ی عمده می توان تقسیم بندی نمود.

دسته اول: مجازات های جایگزین پیش بینی شده در قوانین جزایی به عنوان مجازات اصلی

دسته دوم: مجازات های جایگزین اعمال شده از جانب قاضی دادگاه با توجه به اصل فردی کردن مجازات.

در مجازات های دسته اول قانون گذار رأساً دو یا چند نوع مجازات را به عنوان مجازات اصلی برای مجرم در نظر می گیرد. تا قاضی دادگاه با توجه به شخصیت مرتکب جرم، چگونگی جرم ارتكابی و سوابق او، هر کدام را که صلاح دید در مورد مجرم مورد حکم قرار دهد.^(۹)

به عبارت دیگر قانون گذار با چنین نگارشی اعلام می کند انتخاب هر یک از مجازات های مختلف اعلام شده در قانون که با کلمه «یا» از همدیگر جدا شده اند از نظر او برای مجازات اصلی مرتکب جرم کافی خواهد بود. ولی چون خصوصیات و شخصیت های مجرمین باهم مشابه نیستند، اختیار انتخاب یکی از آن چند نوع را به قاضی رسیدگی کننده محول نموده تا با انتخاب مناسبترین آن ها، مجازات مؤثری را در مورد مجرم به اجرا گذارد.

مورد اعمال مجازات های جایگزین دسته دوم، استفاده از کیفیات و اوصاف مخففه ی جرم به استناد ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی است که در راستای اجرای سیاست کیفری و به منظور اجرای عدالت و رعایت اصل فردی کردن

مجازات در صورت وجود آن اوصاف، به قاضی دادگاه اختیار داده شده است که میزان مجازات را به کم تر از حداقل مقرر در قانون تقلیل دهد یا به نوع دیگری تبدیل کند که احساس می کند به حال متهم مساعدتر می باشد.^(۱۰) در خصوص مجازات های جایگزین حبس هر چند که اعمال مجازات باید مطابق قانون باشد و آن هم قانونی که قبل از وقوع جرم تصویب و لازم الاجرا شده است، ولی با توجه به تعریف مجازات های تعزیری که در ماده (۱۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مقرر داشته: «تعزیر، تأدیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است؛ از قبیل حبس، جزای نقدی و شلاق، که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کم تر باشد» و این که قانون گذار حبس، جزای نقدی و شلاق را احصاء نموده، دلیلی ندارد که قاضی محکمه نتواند از مجازات های دیگر یعنی مجازات های جایگزین حبس که با توجه به شرایط و اوضاع و احوال و شخصیت مجرم و جرم ارتكابی به نفع متهم می باشد، استفاده کند؛ زیرا بیان موارد مذکور تمثیلی است و به اعتقاد این جانب قاضی محکمه می تواند با استفاده از همین ماده ی قانونی در جایی که مجازات جایگزین حبس را به نفع متهم احساس کرده و تشخیص دهد که متهم از این طریق بهتر می تواند اصلاح و تربیت شود و به زندگی سالم خویش ادامه دهد، می تواند از آن استفاده کند.^(۱۱)

مواردی از مجازات های جایگزین حبس های کوتاه مدت به شرح ذیل پیشنهاد می شود:

الف) توسعه ی اخذ جریمه نقدی به قدر وسعت مالی مجرم به جای اعمال مجازات های حبس کوتاه مدت بسیار معقول و پسندیده به نظر می رسد. منتها بایستی این مسئله را در نظر گرفت که میزان جزای نقدی تعیین شده نبایستی به حدی بالا باشد که مجرم به جهت عدم توانایی پرداخت، مجدداً در راستای اجرای قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی زندانی شود و هم چنین نباید به حدی پایین باشد که مجرم به راحتی آن را پرداخته و احساس و ترس صدمه مالی برای دفعات بعدی ارتکاب جرم را نداشته باشد. در خصوص مجرمینی که توانایی پرداخت جریمه را ندارند پیشنهاد شده که نظامی، نظامی، مساجد و ... به عهده ی آن ها گذاشته شود. البته نوع تقصیر و محل کار مقصر نیز باید مدنظر گرفته باشد. آقای دکتر اردبیلی معتقدند بدون شک جامعه محکومان به زندان را شدیدتر از محکومان به جزای نقدی تقبیح می کند؛ بنابراین ننگ و سرافکنندگی مجازات زندان بیش از جزای نقدی است. علاوه بر آن جزای نقدی فاقد آثار شوم زندان، ناشی از بستر فساد اخلاقی زندانیان و جدایی محکوم علیه از خانواده خویش است.

ب) برای مجرمین ولگرد، تکدی گران و بعضی از مجرمین دیگر از جمله کسانی که از نگهداری و حضانت اطفال خود، خودداری می کنند، شوهری که نفقه زن خود را نمی دهد و ... اینان توانایی انجام کار را دارند و پیشنهاد می شود در مؤسسه هایی به انجام کار اجباری وادار شوند.

ج) استفاده از حکم تأخیری: در این روش دادگاه دست به صدور حکم محکومیت زندانی نمیزند؛ ولی منتظر می ماند تا زندانی محکوم، کاری انجام دهد؛ (مانند درمان کردن یا انجام کاری برای قربانی و زیان دیده از جرم یا برای جامعه) پس از شش ماه اگر قاضی مشاهده نمود که محکوم علیه به درمان خود پرداخته یا کاری برای مجنی علیه انجام داده و نتیجه خرسند کننده، است آن شخص محکوم به زندان نمی شود.^(۱۲)

د) یکی از جایگزین های مجازات حبس کوتاه مدت - که به تازگی در کشورمان توسعه یافته - گذراندن دوران محکومیت در چارچوب خانه است و گذراندن روزانه چند ساعت در مراکز عام المنفعه و خدمات انسانی نیز از دیگر مجازات های جایگزین است. چنین جایگزین هایی برای مجازات اطفال بزهکار از هر تنبیهی برای تربیت او بهتر خواهد بود؛ مثلاً" در خصوص اطفال و نوجوانان می توان از انجام کار در خانه با نظارت والدین، مراجعه نوجوان بزهکار در روزهای پایانی هفته به سازمان بهزیستی برای انجام کار عام المنفعه، باغبانی در یک مؤسسه ی

خدماتی، روزی چند ساعت ورزش کردن، به جای مجازات حبس کوتاه مدت استفاده کرد. روش فوق در مورد زنانی که مرتکب جرم شده اند نیز قابل اجرا می باشد. باید شرایطی در نظر گرفته شود تا زنانی که حضور آنها در کنار خانواده هایشان بهتر و ثمربخش تر است، بتوانند دوران محکومیت خود را در درون خانواده سپری کرده و به نوعی با تعیین محدودیت هایی در خانه محصور شوند.^(۱۳)

ه) از دیگر روش های جایگزین مجازات های حبس کوتاه مدت می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

اخطار به مرتکب جرم، سرزنش نمودن، نصیحت کردن، اخذ جزای نقدی روزانه، کار بدون مزد، محرومیت از حقوق اجتماعی، منع اقامت در شهر محل ارتکاب جرم، لغو پروانه کسب یا فعالیت، توقیف وسیله و...

۲- استفاده از قرار تعلیق تعقیب به استناد ماده (۲۲) قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب

خرداد ماده ۱۳۵۶^(۱۴): با توجه به شرایط مذکور در بندهای سه گانه ی ماده مورد بحث و عدم وجود نص صریح قانونی در نسخ مفاد ماده (۲۲) قانون مار الذکر و نظر به قانون اصلاح مواردی از قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ و احیای دادرسیها و فلسفه ی صدور قرار تعلیق تعقیب (سیاست کیفری و تلاش برای جلوگیری از تکرار جرم) می توان گفت بازپرس و یا دادیار در دادرسی می تواند پس از احراز شرایط مذکور در ماده فوق، مبادرت به صدور قرار تعلیق تعقیب متهم بنماید.

طبیعی است که با شرایط گفته شده در ماده (۲۲) قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری به خصوص شرط سوم و احراز آن توسط بازپرس یا دادیار، اگر قرار تعلیق تعقیب صادر نشده و پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه عمومی جزایی ارسال شود، آن دادگاه به احتمال قوی با استناد به شرط سوم ماده ی مورد بحث به بند "۱" ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ استناد نموده و مجازات قانونی جرم تعزیری یا بازدارنده ی ارتكابی توسط متهم را مشمول تخفیف قرار داده و سعی خواهد کرد مجازات سبکتری از لحاظ نوع و میزان برای مجرم مقرر دارد. آیا اعمال و اجرای یک مجازات تخفیف یافته و سبک، اهمیت دارد یا این که آن مجازات را اجرا نکرده و متهم را برای حداقل ۳ سال در تهدید رسیدگی به جرم ارتكابی نگه داریم؟ زیرا مادامی که مجازات اجرا نشده است شخص متهم از رسوا شدن و تحمل مجازات نجات یافته و برای جلوگیری از افتادن در چنگ مجازات قانونی سعی خواهد کرد در طول مدت تعلیق تعقیب مرتکب جرم جدیدی نشده تا آن تعلیق اثر خود را از دست بدهد و این یعنی رسیدن به هدف سیاست جنایی که همانا اصلاح مجرم و جلوگیری از تکرار جرم توسط مجرمین می باشد. پس بهتر است قضات محترم دادرسی به ماده (۲۲) قانون اصلاح موادی از قوانین دادگستری عنایت نموده و در موارد مذکور در ماده نسبت به متهمینی که حائز شرایط می باشند، آن را اعمال نموده و از دادن مجازات حبس کوتاه مدت توسط دادگاه ها خودداری نمایند.

۳- استفاده قضات از تعلیق اجرای مجازات در زمان صدور حکم :

با توجه به تحقیقات جرم شناسی محرز شده است که اگر از تعلیق اجرای مجازات در موارد درست استفاده شود اثرات خوبی از حیث اصلاح مجرم و عدم ارتکاب جرم در آینده توسط وی عاید جامعه و به خصوص دستگاه قضایی خواهد شد. قانون گذار قانون مجازات اسلامی هم با همین نگرش در ماده (۲۵) تا (۳۷) با پذیرش تعلیق اجرای مجازات، شرایط و نتیجه و ضمانت اجرایی آن را بیان نموده است.^(۱۵) اگر مجازات مجرمین حائز شرایط را تعلیق نماییم، می توانیم آسان تر آنان را اصلاح کنیم؛ زیرا فرد وقتی بر رفتار و کردار خویش مراقبت بیشتری نشان می دهد که آبروی خود را کاملاً از دست نداده باشد. انگیزه های بازدارنده رفتار ضد اجتماعی در مدت تعلیق همانا شوق معافیت از مجازات و نیز خوف از اجرای آن است. ولی وقتی مجازات به اجرا درآمد ترس از مجازات فرو می ریزد و محکوم علیه مجازات را در حق خود جاری می داند. برای دستیابی به اهداف تعلیق اجرای مجازات بهتر است تمام

مجازات را معلق نمائیم؛ زیرا در تعلیق قسمتی از مجازات حبس نیز به نظر می رسد این امر با هدف پیشگیری از آثار شوم زندان کوتاه مدت و نیز حفظ و تثبیت وضع اجتماعی محکوم علیه مغایرت داشته باشد. با توجه به این که غالب مجازات های مذکور در قوانین جزایی کشورمان حبس می باشد؛ فلذا استفاده از بحث تعلیق اجرای مجازات عاملی عمده خواهد بود در کاهش جمعیت کیفری زندان ها و البته علت شناسی عدم استفاده قضات از این تأسیس خوب حقوقی خود امری ضروری در وضعیت فعلی جامعه ما به نظر می رسد.

۴- نظارت دقیق و کامل به صدور قرارهای تأمین توسط قضات دادسرا و دادگاه ها در جریان تحقیقات مقدماتی و طول دادرسی و برخورد با عده ای از قضات که بدون توجه به ماده (۱۳۴) قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸/۶/۳۱^(۱۶) مبادرت به صدور قرارهای تأمین می نمایند که شدید بوده و یا شامل بازداشت موقت متهم می شود و یا اصالتاً "قرار صادره بازداشت موقت نبوده بلکه با ادعای عجز متهم از تودیع وثیقه یا معرفی کفیل، یا عدم دادن التزام به حضور با وجه التزام که تبدیل به کفالت شده و به لحاظ عجز از معرفی کفیل دستور بازداشت موقت متهم را تا زمان دادن وثیقه یا معرفی کفیل یا دادن التزام به حضور با وجه التزام صادر می نمایند و چون در کشورمان محل بازداشت موقت متهمان خارج از زندان ها تدارک دیده نشده است؛ فلذا این متهمین روانه زندان شده و جمعیت کیفری آن را افزایش می دهند قابل ذکر است این جانب در طی تحقیقی که در سال ۱۳۷۹ انجام داد که طی آن تعدادی پرسشنامه جهت تکمیل به حدود ۵۰ نفر از قضات یکی از شهرستان ها ارائه شده بود، در پاسخ به این پرسش که «آیا تا به حال قرار تأمین کیفری «التزام به حضور با قول شرف» را صادر کرده اند یا خیر» تنها ۲ نفر از ایشان اظهار داشته بودند که در موارد کم اهمیت اقدام به صدور چنین قرار تأمینی کرده اند. مابقی قضات با اعلام این که این قرار ضمانت اجرایی ندارد و برای قاضی تهمت آور است، از صدور آن امتناع کرده اند. هم چنان که گفته شد قریب ۴۳٪ از جمعیت کیفری زندان ها رادر طول یک ماه فقط متهمانی تشکیل می دهند که هنوز مجرمیت آن ها ثابت نشده و با صدور قرار تأمین در زندان به سر می برند. این آمار با یستی مسئولین دستگاه قضایی را بر آن دارد که در این خصوص اقدام به یافتن علل و موجبات صدور قرار یا قرارهای تأمینی بنمایند که منجر به بازداشت موقت بی مورد متهم می شود؛ در حالی که قضات می توانستند با صدور قرار متناسب از نوع دیگر، از زندانی شدن بی مورد متهم جلوگیری نموده و بار زیادی بر دوش مسئولین زندان و مددکاران اجتماعی و کارشناسان آن در مواجهه با جمعیت کیفری بالای زندان نگذارند.

۵- اصلاح یا نسخ ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰^(۱۷) که به نوبه خود از سال تصویب به تدریج موجب افزایش جمعیت کیفری زندان های کل کشور بوده است؛ به طوری که عده ای از افراد، زندانی شده اند بب آن که این که عمل گناه یا مجرمانه ای را انجام داده باشند؛ برای مثال کسانی که به لحاظ داشتن بنیه مالی نفقه افراد واجب النفقه خود را نپرداخته یا کسانی که دین خود نسبت به دیگری را به دلیل نداشتن امکانات مالی نداده و بنابه حکم دادگاه به پرداخت مالی محکوم شده و در اجرای ماده (۲) قانون مارالذکر بنابه درخواست محکوم له روانه زندان شده اند. سؤالی که در اینجا به ذهن می رسد، این است که «هدف از زندانی نمودن این افراد چیست.»

اگر هدف به مجازات رساندن کسانی باشد که به تعهد خود از نظر اخلاقی و قانونی عمل ننموده اند، در این حال بایستی عمل ارتكابی آن ها مشمول یکی از عناوین مجرمانه مذکور در قوانین جزایی کشورمان باشد که در ما نحن فیه چنین نیست. اگر هدف اجبار شخص به انجام تعهد و پرداخت دین باشد، آیا برای جامعه مناسب خواهد بود فردی را که هیچ عمل مجرمانه ای انجام نداده، برای اجبار به انجام تعهدش، روانه محیط زندان نموده و بعضاً برای مدت های طولانی او را در آن محل نگهدارند؟ جالب این که در بسیاری از موارد این کار هیچ نتیجه ای برای

جامعه و محکوم له نداشته و برای رهایی این افراد از زندان مسئولین خیرخواه جامعه با برگزاری مراسم هایی با عناوین مختلف از جمله جشن گلریزان از افراد خیر جامعه دعوت و درخواست و خواهش می کنند که با هبه نمودن بخشی از اموال خود موجبات آزادی این قبیل افراد را فراهم آورند. آیا بهتر نیست به جای این همه فعالیت و کار بی نتیجه، با آگاه نمودن مردم در مسائل حقوقی نسبت به لغو ماده (۲) قانون مورد بحث اقدام نموده و بدین وسیله موجبات آزادی جمعیت نسبتاً زیادی از زندانیان را فراهم نموده و اجازه فعالیت و حضور در اجتماع را به آن ها بدهیم؟!

۶- زندان برای پاره ای از مجرمین مفید است و برای عده ای دیگر نه تنها مفید نیست بلکه زیانبار هم هست. در مورد مجرمین یقه سفید^(۱۸) یا مجرمینی که اتفاقاً دست به ارتکاب جرمی زده، زندان بسیار جنبه بازدارنده دارد، به حدی که بعضی از این گروه ها - که معمولاً افراد آبرودار و متشخص اند- حاضرند ضرر و زیان های متعددی را تحمل کنند ولی به اصطلاح یک شب در زندان نمانند. در مقابل نیز عده ای هستند که زندان برای آن ها حکم استراحتگاه را دارد و کلاس جرم آموزی و جرم افزایی برای آن ها ست. اینان هیچگاه حاضر به احرای مجازات جرمی یا شلاق نیستند. پس بهتر است در انتخاب مجازات حبس، شخصیت مرتکب جرم مدنظر قرار داده شده و از افزایش بی مورد و بی نتیجه جمعیت کیفری زندان ها با عنوان مجازات خودداری شود.

نتیجه :

با وجود کوشش هایی که توسط دولت های پیشرفته در راستای کاهش جمعیت کیفری زندان ها تحت تأثیر مطالعات جرم شناسی و به خصوص کیفرشناسی، انجام شده است، در کشور ما به خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نه تنها در این راستا فعالیتی از جانب قانون گذار مشاهده نشده بلکه برعکس قانون گذار قوانین متعددی تصویب نموده که در آن ها حبس به عنوان مجازات اصلی پیش بینی شده است؛ به طوری که حدوداً در قوانین کیفری ما ۴۰۰ نوع جرم وجود دارد که برای مجرمین مجازات حبس را در نظر گرفته است. از این بدتر آن که به موجب قوانین دیگری حتی محکومان به پرداخت دین هم وادار به تحمل حبس شده اند. بدیهی است وقتی ماده (۶۴۱) قانون مجازات اسلامی برای جرم کم اهمیتی مثل مزاحمت تلفنی ۶ ماه مجازات حبس در نظر گرفته باشد،^(۱۹) وقتی محکوم علیه پرونده حقوقی روانه زندان بشود، زندان دیگر آن ابهت و سودمندی خود را از دست می دهد. زندان باید همواره جایگاه بزهکارانی باشد که راه دیگری برای امید به اصلاح آنان نیست. هم چنان که در طول بحث اشاره شد نزدیک ۴۳ درصد زندانیان کم تر از ۱۰ روز در زندان بوده و بعداً آزاد شده اند. آیت ... هاشمی شاهرودی در دیدار با کمیساریای عالی حقوق بشر در تاریخ ۷۹/۱۲/۱ در خصوص مجازات زندان بیان داشته اند : «مجازات زندان با این وضعی که فعلاً در کشور وجود دارد، نه با مبانی شریعت اسلامی تطبیق دارد و نه به مصلحت جامعه است . فقط کپی نظام کیفری برخی از کشورهای خارجی است.^(۲۰) زندان نباید آن اندازه ارزان باشد که بدون توجه به روحيات و اخلاقیات و رفتار هر خلافکاری درهای آن به روی آن ها گشوده شود؛ بلکه زندان را بایستی برای مجرمینی در نظر گرفت که طی یک دوره ی تربیتی، برایشان مفید تشخیص داده شود.

هیچ چیز به اندازه ی محکومیت های کوتاه مدت در زندان های عمومی که امکان آموزش هیچ حرفه ای در آن مدت وجود ندارد، برای مجرمین، به خصوص مجرمین جوان مضر نیست. در متون معتبر فقهی، مجازات چند مورد خاص از جرایم حبس دانسته شده است برعکس در قوانین موضوعه متأسفانه این امر رعایت نشده است. اگر به فلسفه ی مجازات در دین اسلام بنگریم، ملاحظه خواهیم کرد که هدف غایی از اعمال مجازات اصلاح مجرمین است و تنها یکی از طرق اصلاح حبس یا سلب آزادی می باشد.

امیدواریم که با انجام مطالعات بیشتر در راستای یافتن راهکارها و جایگزین های عملی مجازات حبس، به خصوص حبس کوتاه مدت بتوانیم در جهت اصلاح مجرمان کوشیده و از افزایش جمعیت کیفری زندان ها و مراکز بازپروری جلوگیری به عمل آوریم.

پی نوشت ها:

- (۱) لغت نامه دهخدا، ج ۱۸، ص ۲۰۸.
- (۲) خسروی، محمدرضا، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، ش ۳۸، ص ۲۵.
- (۳) صلاحی، دکتر جاوید، کیفر شناسی، ص ۱۱۲.
- (۴) صلاحی، دکتر جاوید، همان منبع، ص ۱۱۵.
- (۵) صلاحی، دکتر جاوید، کیفر شناسی، ص ۱۱۳.
- (۶) نجفی ابرند آبادی، دکتر علی محمد، مجله قضایی و حقوقی و دادگستری، ش ۳۸، ص ۳۶ و ۳۵.
- (۷) رئیس الساداتی، معاون قضایی سازمان زندان ها در سال ۱۳۸۱، مجله قضایی - حقوقی دادگستری، ش ۳۸، ص ۳۱.
- (۸) آیت ا... هاشمی شاهرودی، مجله قضایی و حقوقی، ش ۳۸، ص ۱۲۴.
- (۹) ماده (۶۳۸) قانون مجازات اسلامی: «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معبر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دوماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی باشد ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید، فقط به حبس ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»
- ماده (۶۷۹) قانون مجازات اسلامی: «هرکس به عمد و بدون ضرورت حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری یا حیواناتی که شکار آن ها توسط دولت ممنوع اعلام شده است را بکشد یا مسموم یا تلف یا ناقص کند، به حبس از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد.»
- (۱۰) ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی: «دادگاه می تواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری و یا بازدانه را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسب تر به حال متهم باشد. جهات مخففه عبارتند از: ۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی ۲. اظهارات و راهنمایی های متهم که در شناختن شرکا و معاونان جرم و یا کشف اشیایی که از جرم تحصیل شده است، مؤثر می باشد ۳- اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آن مرتکب جرم شده است؛ از قبیل رفتار و گفتار تحریک آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرمی ۴- اعلام متهم قبل از جرم یا اقرار او در مرحله تحقیق که مؤثر در کشف جرم باشد ۵- وضع خاص متهم و یا سابقه او ۶- اقدام یا کوشش متهم به منظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن.
- (۱۱) رئیس دادگستری استان سیستان و بلوچستان، نشریه مأوی، چهارشنبه ۸۲/۶/۵ شماره ۲۱۱.
- (۱۲) خاکپور، شهرام، روزنامه حمایت، شماره ۹۶۰، مورخ ۸۵/۷/۱۵، ص ۶.
- (۱۳) خانم بروجردی، اشرف، دبیر شورای اجتماعی کشور، به نقل از سایت ایران امروز مورخ ۱۶ آبان ماه ۸۲.
- (۱۴) ماده (۲۲) ق.م.ع: در کلیه اتهامات از درجه جنحه به استثنای جنحه های باب دوم قانون مجازات عمومی، هرگاه متهم به ارتکاب جرم اقرار نماید. دادستان راساً می تواند تا اولین جلسه دادرسی با احراز شرایط زیر تعقیب کیفری او را با رعایت تبصره های " ۱" و " ۲" ماده (۴۰) مکرر قانون تسریع دادرسی و اصلاح قسمتی از قوانین آیین دادرسی کیفری و کیفر عمومی معلق سازد:
- ۱- اقرار متهم حسب محتویات پرونده مقرون به واقع باشد؛

۲- متهم سابقه محکومیت کیفری موثری نداشته باشد؛

۳- شاکی یا مدعی خصوصی در بین نبوده یا شکایت خود را استرداد کرده باشد.»

۱۵) ماده (۲۵) قانون مجازات اسلامی : در کلیه محکومیت های تعزیری و بازدارنده حاکم می تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را با رعایت شرایط زیر از دو تا پنج سال معلق نماید.

الف) محکوم علیه سابقه محکومیت قطعی به مجازات های زیر نداشته باشد :

۱- محکومیت قطعی به حد؛

۲- محکومیت قطعی به قطع یا نقص عضو؛

۳- محکومیت قطعی به مجازات حبس به بیش از یک سال در جرایم عمدی؛

۴- محکومیت قطعی به جزای نقدی به مبلغ بیش از دو میلیون ریال؛

۵- سابقه محکومیت قطعی دویار یا بیشتر به علت جرمهای عمدی با هر میزان مجازات.

ب) دادگاه با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را مناسب نداند.

تبصره : در محکومیت های غیر تعزیری و بازدارنده ، تعلیق جایز نیست مگر در مواردی که شرعاً و قانوناً تعیین شده باشد.»

۱۶) ماده (۱۳۴) قانون آیین دادرسی کیفری : «تأمین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم و سابقه متهم و وضعیت مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد.

۱۷) ماده (۲) : هر کس محکوم به پرداخت مالی به دیگری شود چه به صورت استرداد عین یا قیمت یا مثل آن و یا ضرر و زیان ناشی از جرم یا دیه و آن را تادیه ننماید دادگاه او را الزام به تادیه نموده و چنان چه مالی از او در دسترس باشد آن را ضبط و به میزان محکومیت از مال ضبط شده استیفا می نماید و در غیر این صورت بنا به تقاضای محکوم له ، ممتنع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تادیه حبس خواهد کرد.

تبصره: چنان چه موضوع این ماده صرفاً دین بوده و در ذمه ی مدیون باشد، دادگاه در حکم خود مستثنیات دین را منظور خواهد داشت و در مورد استرداد عین، در صورتی مقررات فوق اعمال می شود که عین موجود نباشد؛ به جز در بدل حیلوله که برابر مقررات مربوطه عمل خواهد شد.

۱۸) بزهکار یقه سفید فردی منظم و از نظر اجتماعی ، سازش یافته و انطباق پذیر است. این نوع بزهکار ، فردی است که متعلق به رده ی اجتماعی - اقتصادی بالای جامعه است و قوانینی را که حاکم بر فعالیت های حرفه ای او می باشد، کراراً نقض می کند.

۱۹) ماده (۶۴۱) قانون مجازات اسلامی : «هرگاه کسی به وسیله تلفن یا دستگاه های مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید، علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات ، مرتکب به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد.»

۲۰) به نقل از صحیفه عدالت، جلد دوم ، ص ۴۰۶.